

تحلیل تطبیقی تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها تأملی بر جهانی شدن حقوق به منزله یک فرصت

مهدی شهابی* - زهرا خواجهویی**

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۵)

چکیده

جهانی شدن حقوق، واقعیتی غیر قابل انکار است. واقعیتی که هم از منظر نهادها، مفاهیم و ارزش‌های حقوقی قابل توجه است و هم از منظر شکلی و الگوبرداری تقنینی. حقوق کشورهای اسلامی نمی‌تواند خود را بی تأثیر از این واقعیت نشان دهد. مبنای اعتبار قواعد و مفاهیم حقوقی در نظام‌های اروپایی و به طور کلی غربی، عقلانیت انسان گرایانه است و از این جهت، جهانی شدن از منظر ماهوی برای حقوق کشورهای اسلامی می‌تواند نوعی تهدید تلقی شود؛ زیرا در حقوق اسلامی عقلانیت انسان گرایانه، مبنای تام اعتبار ارزش‌ها، مفاهیم و نهادهای حقوقی نیست. با این حال، به نظر می‌رسد می‌توان به جهانی شدن به عنوان یک فرصت نگریست و تدوین قانون مدنی واحد اسلامی با تأسی از حرکت اتحادیه اروپا به سمت قانون‌گذاری واحد و به طور خاص قانون مدنی واحد اروپا، می‌تواند نمونه‌ای از این فرصت باشد. با این حال، تدوین قانون مدنی واحد اروپا و اسلامی با چالش‌هایی روبرو است. این پژوهش با تحلیل این چالش‌ها، راه‌هایی را برای رفع آنها ارائه داده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، بازار مشترک اقتصادی، جهانی شدن حقوق، سازمان همکاری اسلامی، قانون مدنی واحد اروپا، قانون مدنی واحد اسلامی

shahabi880@yahoo.fr

zahra.khajouei1990@gmail.com

* استادیار حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

** کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان



مقدمه

تقریب مذاهب و وحدت اسلامی، سال‌های سال است که به عنوان یکی از آرمان‌های اسلامی مطرح می‌شود. آرمانی که، اگر تحقق یابد، بسیاری از چالش‌های سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی میان جوامع مختلف اسلامی را مرتفع می‌سازد. حقوق می‌تواند نقش مهمی در این وحدت بخشی ایفاء کند و یا به عبارت دیگر موتور ایجاد وحدت اسلامی باشد. تدوین قانون مدنی واحد اسلامی، راه کار عینی و مشخص حقوق، برای برقراری این وحدت است و البته، ایرادی هم ندارد که این راهکار، متأثر از جهانی شدن شکلی حقوق باشد؛ جهانی شدنی که یکنواخت سازی حقوق و آزمایشگاه این یکنواخت سازی، یعنی اتحادیه اروپا، نماد آن تلقی می‌شود؛ چرا که یکنواخت سازی اروپایی حقوق، مورد اقتباس بسیاری از کشورها یا اتحادیه‌های سیاسی قرار گرفته است.

جهانی شدن حقوق یک واقعیت خارجی و اجتناب ناپذیر است و می‌تواند از مسیر انتقال مفاهیم و ارزش‌های حقوقی و نیز قالب‌های (قانون) حقوقی، منجر به یکنواخت سازی حقوقی شود. با این حال، به نظر می‌رسد در رابطه با حقوق اسلامی و برای حقوق اسلامی، جهانی شدن حقوق می‌تواند یک تهدید و در عین حال یک فرصت تلقی شود. جهانی شدن ماهوی حقوق یعنی همان جهانی شدن مفاهیم و ارزش‌های حقوقی، ممکن است تهدیدی برای نظام حقوقی اسلامی باشد؛ زیرا ارزش‌ها و مفاهیم حقوق بشر در رأس این مفاهیم و ارزش‌های حقوقی است و همانطور که می‌دانیم، حقوق بشر غربی، مبتنی بر عقلانیت انسان گرایانه است و در تطابق کامل با حقوق بشر اسلامی قرار ندارد. با این حال، تردیدی نیست که جهانی شدن شکلی یا صوری، فرصتی برای حقوق اسلامی است؛ نباید فراموش کرد که تحت تأثیر و با اقتباس از اعلامیه جهانی حقوق بشر است که اعلامیه حقوق بشر اسلامی تدوین می‌شود و به اتحاد اسلامی کمک می‌کند؛ اعلامیه اخیر، نماد الگو برداری شکلی از اعلامیه جهانی حقوق بشر است. قانون گذاری واحد نیز، نماد جهانی شدن شکلی است و اتحادیه اروپا بستر یکنواخت سازی حقوق از نوع قانون گذاری واحد است و این یکسان سازی، از آنجا که مورد اقتباس دیگر کشورها قرار می‌گیرد، می‌تواند به جهانی شدن حقوق کمک کند. با این حال، حرکت به سمت تدوین قانون واحد یا تبعیت از عقلانیت صوری به عنوان میراث جهانی شدن حقوق، به آسانی میسر نیست و چالش‌های مختلف زبانی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، ساختاری و اجرایی رخ می‌نماید. اتحادیه اروپا، به سمت تدوین طرح قانون مدنی واحد اروپا حرکت کرده و

نگارنده اذعان می‌کند که فکر تدوین قانون مدنی واحد اسلامی را از همین طرح اروپایی اقتباس کرده است. اما، طرح اروپایی و بحث‌هایی که در مورد آن صورت گرفته، به خوبی گواه وجود چالش‌های اشاره شده است. تردیدی نیست که تدوین قانون مدنی واحد اسلامی که می‌توان آنرا متأثر از همین عقلانیت صوری جهانی شدن حقوق دانست، به منزله فرصتی برای کشورهای اسلامی و در جهت وحدت اسلامی است. ولی، تدوین قانون مدنی واحد اسلامی نیز، با چالش‌های پیش گفته، کم و بیش روبرو است. این چالش‌ها، ذاتی قانون‌گذاری واحد بوده و کمتر متأثر از تفاوت نگرشی و ماهوی بین حقوق اسلامی و حقوق اروپایی است. در این پژوهش، صاحب این قلم تلاش می‌کند تا با رویکردی تحلیلی و البته تطبیقی، چالش‌های تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی را باز شناسد و راه حل‌هایی برای رفع این چالش‌ها ارائه دهد. به سخن دیگر و از منظر راقم سطور، جهانی شدن حقوق را بایستی یک فرصت تلقی کرد و با اقتباس از عقلانیت صوری آن، در مسیر قانون‌گذاری واحد اسلامی که به وحدت اسلامی کمک می‌کند، حرکت کرد و اگر در این مسیر چالش‌های مختلفی وجود دارد، در جهت بازشناسی و حل آنها گام برداشت. بدین منظور، در ابتدا به تحلیل چالش‌های تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی پرداخته و سپس راه‌های حل این چالش‌ها را مطالعه خواهیم کرد.

۱- چالش‌های تدوین قانون مدنی واحد

چالش‌های تدوین قانون مدنی واحد را می‌توان به چالش‌های مشترک تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی و چالش‌های اختصاصی هر یک تقسیم کرد. در ابتدا چالش‌های مشترک و سپس چالش‌های اختصاصی را مطالعه می‌کنیم.

۱-۱- چالش‌های مشترک تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی

در این بند، چالش‌های مشترکی که در رابطه با تدوین قانون مدنی اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی با آن مواجه ایم، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱- پیوند زبان و حقوق و چالش انتخاب زبان واحد

زبان معیاری از عضویت در جامعه و ابزاری برای هویت بخشی است

(برتون، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱). از این منظر، "زبان حقوق، بخشی از هویت زبانی جامعه محسوب می‌شود" (Collins, 2008, p143). زیرا، حقوق و زبان، هر دو متأثر و در تعامل با تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره‌اند (Lopez, 2004, p1211). به نظر می‌رسد، یکنواخت سازی قانون مدنی اروپا یا قانون مدنی واحد اسلامی، مستلزم وحدت زبان است؛ ولی، اینکه زبان واحد چرا ضرورت دارد؟ و چگونه عدم زبان واحد می‌تواند چالشی در برابر قانون مدنی واحد باشد؟ و در نهایت به چه طریقی می‌توان مشکل مطروحه را حل کرد؟ پرسش‌هایی هستند که در این مقال بایستی بدان‌ها پاسخ داد.

اتحادیه اروپا متشکل از ۲۳ زبان رسمی است؛ از آغاز شکل‌گیری، اهمیت تنوع زبانی را اذعان داشته، استفاده از زبانی خاص در هر جامعه را به رسمیت شناخته است (Cf. Schmid, 2012, p276). با این حال، به نظر می‌رسد جمع قانون مدنی واحد و تنوع زبانی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا، در غیر این صورت، قانون مدنی واحد، باید، همزمان، به تمامی این ۲۳ زبان ترجمه شود و این امر اگرچه ممکن است، ولی با دو مشکل اساسی روبرو می‌شود؛ نخست، نمی‌توان مطمئن بود که نسخه‌های ترجمه شده به زبان‌های مختلف، بیانگر معنای واحد و یکسانی باشند؛ چرا که در هر زبان، مفاهیم و به ویژه مفاهیم حقوقی، دلالت بر معنایی می‌کنند که لزوماً با زبان دیگر برابری نمی‌کند. مشکل دوم اینکه حقوق دانان اروپایی، برای حل سریع‌تر چالش‌ها و مسائل حقوقی و برای مثال در حوزه حقوق قراردادها، نیاز به زبان مشترک دارند. بی‌تردید، این دو مشکل، مانع رسیدن به اهداف قانون مدنی واحد، از جمله، تشکیل بازار واحد اروپایی خواهد شد. بنابراین، تحقق این اهداف، انتخاب زبانی واحد را ضروری می‌سازد. ولی، چه زبانی می‌تواند، به عنوان زبان واحد، انتخاب شود؟

از منظر گایدو، حقوق دان ایتالیایی «امروزه، انگلیسی، زبان بین‌المللی داد و ستد تجاری است. در کنار زبان انگلیسی، فرانسه در ادارات دولتی اروپا پرکاربردترین زبان بوده، با این وجود، زبان انگلیسی، زبان غالب است. البته غالب شدن انگلیسی بخاطر قدرت انگلیس نیست؛ بلکه بخاطر قدرت اقتصادی و سیاسی ایالات متحده، کاربردی بودن و سادگی گرامر آن است. بنابراین، انگلیسی، می‌تواند زبان قانون مدنی واحد اروپا باشد. هر چند، به نظر می‌رسد، ترجمه به زبان کشورهای عضو، حداقل در اوایل تدوین، اجتناب‌ناپذیر باشد» (Guido, 1999, p12).

با این حال، آیا چالش زبان، با انتخاب زبان، منتفی می‌شود؟ مزیت زبان واحد، در عمل، یکپارچگی تجارت و مبادلات است. ولی آیا تفکر حقوقی به آسانی می‌تواند از زبانی که در آن

شکل گرفته است، جدا شود؟ لویز (Lopez) حقوق دان دانمارکی و هوندیو (Hondius) حقوق دان آلمانی، بر پاسخ منفی به این پرسش تأکید دارند (Lopez, 2004, p1211; Hondius, 2010, p20). سوپیو (Supiot)، حقوق دان فرانسوی نیز معتقد است که نتیجه استفاده از انگلیسی به عنوان زبان واحد قانون مدنی اروپا، این است که اروپا، راه‌های حقوقی کامن لای انگلیس و نگران کننده‌تر از انگلیس، آمریکا را بپذیرد و بدین ترتیب، حقوق مدنی که ریشه در حقوق رم دارد، به تدریج اصلتش را از دست بدهد. به همین دلیل و با توجه به دشواری‌هایی که در ترجمه ممکن است رخ دهد، سوپیو توصیه می‌کند که قانون مدنی اروپا، به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی تدوین شود (Supiot, 2003, pp 290, 291). با این حال، مشکل تنوع زبانی باقی خواهد ماند.

کشورهای اسلامی نیز بدلیل پراکندگی در چهار قاره، با مشکل تنوع زبانی روبرو هستند. علی‌رغم مشکلاتی که در مسیر انتخاب زبان واحد مطرح است، اما، به دلایلی که در مورد اتحادیه اروپا به آنها اشاره شد، تدوین قانون مدنی واحد در سازمان همکاری اسلامی نیز جز از مسیر از بین بردن تنوع زبانی نمی‌گذرد. با الهام از دیدگاه سوپیو، و از آنجا که سازمان همکاری اسلامی، زبان‌های عربی، فرانسه و انگلیسی را، به عنوان زبان‌های رسمی پذیرفته است، (رک. سایت رسمی سازمان همکاری اسلامی) می‌توان پیشنهاد داد که قانون مدنی واحد اسلامی به سه زبان پیش گفته تدوین گردد. اما، وجود سه زبان رسمی، مشکل تنوع زبانی را که مانع رسیدن به اهداف قانون مدنی واحد است، حل نمی‌کند.

۱-۲-۱- قانون و چالش انعطاف ناپذیری آن

انعطاف پذیری از شاخصه‌های مهم قانون مطلوب است؛ قانونی که از لحاظ ماهوی و شکلی ایستا بوده و مکانیسم‌های سازگاری با تحولات و متغیرهای اجتماعی را نداشته باشد، قانون مطلوب و کاملی نیست و به مرور زمان نیز به حاشیه می‌رود و کارکرد خود را از دست می‌دهد. قانون مدنی واحد اروپا و یا اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. یکی از مهم‌ترین نقدهایی که برای تدوین قانون مدنی واحد مطرح شده، عدم پویایی چنین قانونی است؛ چرا که تغییر آن یا تفسیر متناسب با تحولاتی اجتماعی از آن، به آسانی میسر نخواهد بود؛ زیرا نوعی توافق برای این تعبیر یا تفسیر بین ۲۷ کشور اروپایی و یا ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی ضرورت خواهد داشت؛ توافقی که در کوتاه مدت به دست نخواهد آمد (Schmid, 2012, p 284).

۱-۱-۳- مرجع قضاوتی تضمین اجرای قانون مدنی واحد؛ چالشی برای اجرای قانون مدنی واحد کارایی قانون مدنی، صرفاً وابسته به قوه مقننه نیست؛ بعد از تدوین قانون مدنی واحد اسلامی یا اروپایی، باید دید در صورت بروز اختلاف در اجرای این قانون و یا در تفسیر آن، چه نهادی مسئول رسیدگی به اختلاف است؟ در این راستا، نیاز به مرجعی قضایی، هم در سطح اتحادیه اروپا و هم در سطح سازمان همکاری اسلامی وجود دارد؛ مرجعی که قدرت کافی جهت دستیابی به اهداف قانون مدنی واحد را داشته و با تصمیماتش بتواند در کارآمدی هر چه بیشتر این قانون تأثیر گذار باشد.

با این حال مشکلی که وجود خواهد داشت، حجم زیاد پرونده‌های ارجاعی به این مرجع قضایی است. دلیل آن هم وسعت جغرافیایی این قانون می‌باشد. وانگهی، تجربه امروز اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که چنین مراجعی، برای اعمال قدرت در مواجهه با دولت‌های عضو، با مشکلات متعددی روبرو هستند (Schmid, 2012, pp 284-285).

۱-۱-۴- عدم امکان جامعیت قانون مدنی، چالشی ساختاری

دو ویژگی اصلی قانون مدنی مطلوب، جامعیت و انسجام آن است. جامعیت و انسجام به این معناست که تمامی مسائل مربوط به حقوق مدنی را در برگیرد و منحصر به بخش‌های خاصی نباشد (Hesselink, 2002, p1). آیا قانون مدنی واحد اروپا و یا قانون مدنی واحد اسلامی، می‌تواند از جامعیت و انسجام گفته شده برخوردار باشد؟

به نظر می‌رسد قانون مدنی واحد نتواند همانند قانون مدنی، ملی بوده و جامعیت داشته باشد. یکی از قسمت‌هایی که در قوانین ملی وجود دارد، حقوق خانواده و ارث و یا به عبارتی احوال شخصیه است، ولی قانون مدنی واحد نمی‌تواند این مجموعه را در خود جای دهد. چرا که حقوق خانواده و ارث نماد ارتباط حقوق با فرهنگ، مذهب و تاریخ یک ملت است و هویت ملی در این حقوق بیشتر نمود دارد (Ardeleanu, 2013, pp53-54; Chloros, 1968, p 853). با فقدان ویژگی جامعیت، انسجام مورد انتظار قانون مدنی واحد اروپا و یا قانون مدنی واحد اسلامی نیز تأمین نخواهد شد.

۱-۲- چالش‌های اختصاصی تدوین قانون مدنی واحد

در ابتدا به مطالعه چالش‌های اختصاصی قانون مدنی واحد اروپا پرداخته و سپس چالش‌های تدوین قانون مدنی اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:



۱-۲-۱- چالش‌های اختصاصی تدوین قانون مدنی واحد اروپا

۱-۲-۱- ضرورت تعامل حقوق و فرهنگ، چالش فرهنگی تدوین قانون مدنی واحد اروپا از منظر ادوارد برنت تایلر (Edward Burnett Taylor)، مردم شناس انگلیسی "فرهنگ مجموعه آمیخته و پیچیده و نظام یافته‌ای است از دانستی‌ها و شناسائی‌ها، هنرها و باورها و آیین‌ها، حقوق و آداب و رسوم، منشأ خوبی‌ها و بسیاری چیزها که انسان از جامعه خویش کسب کرده است" (رک، پهلوان، ۱۳۸۲، ص ۴۸).

چه ارتباطی بین فرهنگ و حقوق وجود دارد؟ و چگونه قانون مدنی واحد، می‌تواند تهدید برای تنوع فرهنگی محسوب شود؟ در زمینه ارتباط فرهنگ و حقوق می‌توان گفت، ابزارهای (نهادهای و قواعد) حقوقی، در شکل‌گیری، تغییر و تثبیت ارزش‌های جامعه مؤثرند و از سوی دیگر، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی نیز، بر حقوق تأثیر می‌گذارند؛ برای تدوین قوانین، ناگزیر از توجه به عقاید و افکار فرهنگی جامعه هستیم (عالی پناه و فضلی، ۱۳۹۱، ص ۱۹). بنابراین، ارتباط حقوق و فرهنگ، ارتباطی دوسویه است. مشکل مهمی که در رابطه با تدوین قانون مدنی واحد با آن مواجه‌ایم، روبروشدن قانون مدنی با تفاوت‌های فرهنگی کشورهای عضو است.

همانطور که اشمید، حقوق‌دان آمریکایی به خوبی بدان تصریح دارد "نباید از این واقعیت غافل شد که هویت اصلی اتحادیه اروپا به شباهت و یکنواختی وابسته نیست؛ بلکه، در احترام به کثرت زبان‌ها، فرهنگ‌ها و شاید حتی قانون است، که به خوبی در شعار "اتحاد در عین تنوع" بیان شده است" (Schmid, 2012, p275).

به عقیده برخی، توسعه قدرت نهادهای اروپایی، تهدیدی در برابر حاکمیت ملی و فرهنگ‌های ملی محسوب می‌شود. از این منظر، پروژه قانون مدنی واحد، اگر چه به ایجاد بازار واحد اروپایی می‌انجامد، اما منجر به حذف قابل توجهی از مرزهای ملی شده و این فرایند می‌تواند چالشی برای تنوع فرهنگی اروپا باشد (Collins, 2008, pp124-125).

مروری سریع بر سابقه قانون‌گذاری در اتحادیه اروپا، می‌تواند منشاء نگرانی مربوط به از بین رفتن فرهنگ‌های محلی، به دنبال تدوین قانون مدنی واحد، را روشنتر سازد: وقتی قوانین ملی مانند قانون مدنی ناپلئون در فرانسه (۱۸۰۴) و قانون مدنی آلمان (۱۹۰۰) وضع شدند، در زمان وضع با این چالش عمده روبرو بودند که ممکن است تنوع فرهنگی را از بین ببرند. با این حال، از آنجا که وحدت ملی را تقویت می‌کردند، این چالش اهمیت زیادی نمی‌توانست داشته باشد

¹Unified in Diversity; Cf. Boll, 2008, p 90

(Collins, 2008, p130). اما، این چالش، در مورد قانون مدنی واحد اروپا پررنگ تر جلوه خواهد کرد؛ زیرا تدوین این قانون در راستای ملی گرایي و ایجاد همبستگی ملی نیست. شایان ذکر است که چالش فوق، در مورد قانون مدنی واحد اسلامی کمتر قابل طرح بوده و به همین دلیل، چالش فرهنگی را، چالش اختصاصی تدوین قانون مدنی واحد اروپا دانستیم. در واقع، به نظر می رسد، رابطه نظام دینی و فرهنگ، بیش از آنکه رابطه ای دو سویه باشد، یکطرفه است. به عبارت دیگر، در نظام و ساختار دینی، فرهنگ مجموعه ای از همان ارزش های دینی است که مفهوم فرهنگ دینی را شکل می دهد؛ توحید یا جهان بینی الهی نخستین و مهم ترین شالوده فرهنگ دینی است (صدر، ۱۳۵۲، ص ۴۸). و همین توحید یگانگی عقیده، قانون و اخلاق و همینطور وحدت فرهنگی را موجب می شود (انور جنیدی، ۱۳۷۱، ص ۴۶). وانگهی، مؤلفه های فرهنگ دینی را انسان متأثر از زمان و مکان نمی سازد تا این فرهنگ با تغییر زمان و مکان دستخوش تحول شود (صدر، همان، ص ۵۱). بنابراین، قانون مدنی واحد اسلامی، نه تنها چالش فرهنگی ایجاد نمی کند بلکه در راستای فرهنگ اسلامی که وحدت، مؤلفه آن است نیز قرار دارد (صدر، همان، صص ۶۲-۵۴). زیرا نظام حقوقی دینی چیزی جز بیان عینی همان فرهنگ و نظام اعتقادی نیست (مصدق، ۱۳۷۷، ص ۲). بدین ترتیب، برخلاف آنچه که در ابتدا به ذهن متبادر می شود، تدوین قانون مدنی اسلامی، آسیبی به مبای اعتقادی و ارزش های دولت های عضو سازمان همکاری اسلامی وارد نمی کند؛ وحدت از مبای اعتقادی اسلامی است.

۱-۲-۱-۲- تنوع نظام های حقوقی و چالش تنوع مفاهیم، نهادها و ارزش های حقوقی

کشورهای عضو اتحادیه اروپا را می توان از منظر سیستم های حقوقی، یا متعلق به سیستم رومی-ژرمنی و یا کامن لا دانست (رنه داوید، ۱۳۷۵، ص ۲۱). بدین ترتیب، این پرسش قابل طرح خواهد بود که آیا برای تدوین قانون مدنی واحد، با چالش جدی تنوع سیستم های حقوقی مواجه نیستیم؟ اهمیت این چالش وقتی بیشتر آشکار می شود که به شاخصه نانوشته بودن نظام حقوقی کامن لا توجه داشته باشیم.

استادن مایر (Dirk Staudenmayer)، از نمایندگان کمیسیون اتحادیه اروپا، تدوین قانون مدنی واحد اروپا را موجب یکنواخت سازی و در تضاد با تنوع سیستماتیک حقوقی موجود در اتحادیه اروپا که باید محترم باشد، ارزیابی و به همین دلیل با آن مخالفت می کند (Cf. Anthony, 2006, pp15-16).

از نظر پیرلگراند (pierre legrand)، استاد حقوق تطبیقی دانشگاه تیلبورگ، پروژه قانون مدنی واحد، تنش های حقوقی- سیاسی که یادآور تنش های بین آلمان و فرانسه در موضوع اقتباس آلمان از قانون مدنی فرانسه است، را احیا می کند (Legrand, 1997, pp 51-52). وی معتقد است که حمایت از تدوین قانون مدنی اروپا، حمایت از همان تفکری است که می خواست قانون مدنی ناپلئون را در سرتاسر اروپا حاکم کند (Reimann, 1999, pp 1337, 1338). می دانیم که تدوین و تصویب قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴، با واکنش های منفی در آلمان و به ویژه از جانب کارل فون ساوینی بنیان گذار مکتب تاریخی مواجه شد. حقوق دانی که با مکتوب کردن قواعد حقوقی مخالف بود و اعتقاد داشت حقوق نه محصول اراده قانون گذار که حاصل نظم خودجوش است و علم حقوق نیز وظیفه ای جز شناسایی (و نه ایجاد) این قواعد ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۷/۱۲۷، ص ۱۴۹). قصد آن نداریم که نظام حقوقی کامن لا را بر اساس آموزه های مکتب تاریخی تحلیل کنیم؛ ولی به نظر می رسد، نسبت این نظام حقوقی با قانون مدنی واحد اروپا، یادآور نسبت قانون مدنی فرانسه و اندیشه های مکتب تاریخی باشد (Zimmermann, 2012, p396).

برای حقوق دان کامن لا، قانون مدنی واحد، به جایگزینی برای رویه قضایی نظام حقوقی کامن لا و روش آن، یعنی بررسی موردی پرونده بدون نیاز به استناد به قانون، می ماند و چالشی برای روند صدور احکام قضایی. از این منظر، قانون مدنی واحد، نظام منابع قاعده حقوقی را به هم می زند (Collin, 2008, p147)؟

قانون مدنی واحد در سطح مفاهیم و ارزش های حقوقی خاص هر سیستم حقوقی نیز با چالش مواجه است. حقوق دانان هر سیستم حقوقی، درکی خاص از مفاهیم و ارزش های آن نظام حقوقی دارند. به عبارت دیگر، معنای تنوع سیستمی، تنوع در مفاهیم و ارزش های حقوقی هم است و قانون مدنی واحد تقابل این مفاهیم و ارزش های حقوقی را موجب می شود. بایستی توجه داشت که برخی از این مفاهیم و ارزش ها، به سنت های ملی تبدیل شده اند (Hesselink, 2004, p9 W, 2004). (Rémy, 2004, p5).

فان دام (C. Van Dam). حقوق دان آلمانی، پروژه قانون مدنی اروپا را به دلیل تنوع فعلی سیستم حقوق خصوصی رد می کند و تاکید می کند که سیستم های حقوق خصوصی اروپا در حال حاضر متنوع و متفاوت اند (Collin, 2008, p146). بنابراین، معرفی قانون مدنی اروپا که همه دولت های عضو را ملزم کند ممکن نیست؛ چرا که این الزام، برای بعضی دولت های عضو

معنایی جز الزام به تغییر نظام حقوقی شان ندارد. از نظر اشمید، "با تغییر نظام حقوقی، هر وکیل، قاضی، استاد، دانشجو و هر کس دیگر که با حقوق سروکار دارد، ملزم می‌شود که طرز فکر جدیدی را یاد بگیرد. رویه‌ها و سنت‌های حقوقی شکل گرفته کارکرد و فایده خود را از دست خواهند داد. به علاوه، مردمی که در زندگی روزانه‌شان با حقوق روبرو نشده‌اند اما فهم حقوقی پایه‌ای دارند، محکوم به یادگیری مجدد هر آنچه که از حقوق می‌دانند، می‌شوند. نه تنها مدت زمان زیادی طول می‌کشد که سیستم جدید پذیرفته شود و به خوبی سیستم قبلی، به آن عمل شود، بلکه آموزش مجدد مسائل حرفه‌ای حقوقی و تغییر سیستم آموزشی به سمت سیستم جدید، خیلی پرهزینه خواهد بود" (Schmid, 2012, pp277-278).

البته، این چالش، در مورد کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و قانون مدنی واحد اسلامی کمتر قابل طرح است. چرا که می‌توان همه آنها را، به ویژه در حوزه حقوق خصوصی، در ذیل نظام حقوقی اسلام قرار داد (امین، ۱۳۷۴، ۲/۱). بی‌تردید، نظام حقوقی اسلام، در درون خود، با مکتب‌های حقوقی متعددی روبرو است که هر کدام، نقش چارچوب نگرشی نظام حقوقی جاری در کشورهای مختلف اسلامی را دارند. با این حال، اشتراک در مبانی و سنت‌های حقوقی زیاد است و به همین دلیل همه این مکاتب را می‌توان تحت عنوان یک نظام حقوقی قرار داد.

۲-۲-۱- چالش‌های اختصاصی تدوین قانون مدنی واحد اسلامی

۲-۲-۱-۱- تنوع مذاهب اسلامی؛ چالش محتوایی و تفسیری تدوین قانون مدنی واحد اسلامی
اگر چه در رویکرد غربی به حقوق، هنوز صحبت از ریشه‌های مذهبی حقوق به میان می‌آید و بر آن تأکید می‌شود، اما به نظر نمی‌رسد بتوان تنوع مذهبی و برای مثال کاتولیک و پروتستان را از چالش‌های تدوین قانون مدنی واحد اروپا دانست. زیرا حقوق غربی در قالب همان گفتمان مدرنیته، بر عقلانیت خود بنیاد مبتنی است؛ عقلانیتی که یادآور اندیشه کسانی چون گروسیوس، هابز، لاک و دیگران است.
با این حال، به نظر می‌رسد تنوع مذهبی با توجه به تعصبی که بدان دامن می‌زند (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۶)، چالشی برای تدوین قانون مدنی واحد اسلامی باشد و بایستی برای رفع آن کوشید. در هر حال، در نظام حقوقی اسلامی، مبنای اعتبار قواعد و هنجارهای حقوقی اراده الهی است و هر کدام از مذاهب اسلامی، تفسیر و فهمی از مبنای اعتبار هنجارهای حقوقی

دارند. مقصود از مذاهب اسلامی، آن دسته از مکاتب فقهی اند که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به کتاب و سنت هستند (تسخیری، ۱۳۸۳، صص ۲۱۹-۲۱۸). شاید شیعه و سنی را بتوان دو مذهب مهم جهان اسلام و مهم‌ترین اختلاف آن دو را نیز در مسأله امامت دانست (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ص ۲۷). مسأله امامت از این جهت اهمیت دارد که حداقل در رویکرد شیعی، مبنای اعتبار بسیاری از هنجارهای حقوقی و رفتاری تلقی می‌شود. از این منظر، بی‌تردید، تنوع مذهبی در حقوق اسلامی چالشی مهم برای تدوین قانون مدنی واحد قلمداد می‌شود. برای رفع این چالش، سه راه حل در بدو امر به نظر می‌رسد: اول اتخاذ مذهب واحد؛ دوم تأکید بر مشترکات مذاهب اسلامی و صرف نظر کردن از مسائل مورد اختلاف و سوم بازگشت به دوران صحابه و طرد کلیه مذاهب پس از آن دوران به عنوان مبنای هنجاری قواعد قانون مدنی واحد اسلامی؟

راه حل اول و سوم، با اصول مندرج در منشور وحدت اسلامی و از جمله اصل مهم آزادی انتخاب مذهب (بند ۷ اصل نهم، اصل ۴ و بندهای ۴ و ۵ و ۶ اصل ۹ منشور وحدت اسلامی) مطابقت ندارد. به موجب این اصول، احترام به مذاهب و اختلافات که بعضاً نتیجه تنوع اجتهادها است، ضرورت دارد. اتخاذ راه حل دوم نیز آسان نمی‌نماید. با وجود تنوع در اجتهاد چگونه می‌توان به سمت تدوین قانون مدنی واحد حرکت کرد؟ بی‌تردید، تنوع و اختلاف در اجتهاد ناشی از تنوع و اختلاف در منابع اجتهادی است. در برخی از مذاهب و برای مثال مالکی، استحسان منبع مهم اجتهاد است و در برخی دیگر همانند شیعه و شافعی، استحسان اعتباری ندارد (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، صص ۱۲۹ و ۱۳۳).

۱-۲-۲- چالش‌های سیاسی تدوین قانون مدنی واحد اسلامی

الف. ملت-دولت: نماد الگو پذیری نامناسب سیاسی-اجتماعی
 نظام سیاسی-اجتماعی حاکم بر بسیاری از کشورهای اسلامی، بر پایه الگوی «ملت-دولت»، برگرفته از اندیشه‌های کسانی چون هابز، روسو و دیگران تدوین شده است. این الگو با توجه به ماهیت سکولار یا نیمه سکولار خود، هر وحدتی را از زاویه منافع ملی و طایفه‌ای و قومی و از دیدگاه فلسفه سیاسی پیش گفته می‌نگرند. به نظر می‌رسد، نظام «ملت - دولت» با فرهنگ سیاسی و جهان شمولی اسلامی متناقض بوده (هادی، بی تا، ص ۷۵) و این امر علت اصلی بحران مشروعیت سیاسی و حکومتی و بحران در وحدت اسلامی (نادران، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱)، در سرزمین‌های اسلامی است (مولانا، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷). نظام سیاسی با نظام حقوقی جامعه مرتبط

است و قانون نیز جزء بنیادین هر ساختار سیاسی-حقوقی است (مریجی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶) و از این منظر، این پرسش مهم قابل طرح است که چگونه می توان به سمت تدوین قانون مدنی واحد اسلامی حرکت کرد؟ شایان ذکر است که تدوین قانون مدنی واحد اروپا نیز در ساختار اتحادیه اروپا قابل طرح خواهد بود؛ ساختاری که در آن، بایستی پذیرفت، مفهوم دولت-ملت، آنگونه که برای مثال ناپلئون به دنبال آن بود و قانون مدنی خود را نیز بر پایه ی آن بنیان گذارد، جایگاهی ندارد و از آن عبور شده است.

قانون مدنی واحد زمانی امکان تدوین و مهم تر از آن اجرا را دارد که در ظرفی سیاسی-حقوقی متناسب تدوین و اجرا گردد. این ساختار، بی تردید، نمی تواند از نوع دولت-ملت باشد.

ب. ضرورت ارتباط ساختار سیاسی و حقوقی و چالش ساختارهای حکومتی متفاوت در کشورهای مختلف اسلامی

همانطور که اشاره شد، ارتباط معناداری بین ساختار سیاسی از یک طرف و ساختار حقوقی از طرف دیگر وجود دارد. معنا، مفهوم و کارکردی که قانون در نظام سیاسی دموکراتیک دارد، بسیار متفاوت از قانون نظام سیاسی برای مثال سلطنتی است. در اولی قانون، ابزار بیان ارزش های برآمده از اصل مهم آزادی فردی است و در دومی قانون، ابزار ایجاد و اجرای ارزش های سیاسی حاکمیتی. حتی، می توان گفت، قانون معنا و کارکرد یکسانی در دو نظام دموکراسی لیبرال و دموکراسی سوسیال نیز ندارد. در اولی قانون، ابزار تضمین آزادی های فردی و در دومی قانون، ابزار دنبال کردن منافع سیاسی اجتماعی، در کنار آزادی های فردی است.

در اتحادیه اروپا، نظام سیاسی حاکم بر کشورها، اصولاً دموکراسی است و بدلیل این همسانی، صرف نظر از ایراداتی که در این ساختار وجود دارد، نظام سیاسی نمی تواند در مسیر یکنواخت سازی قانون مدنی به عنوان چالش در نظر گرفته شود. در سازمان همکاری اسلامی، انواع ساختارهای سیاسی جمهوری اسلامی (ایران)، سلطنتی (عربستان)، سکولار (ترکیه) و... به چشم می خورد. حتی بین کشورهای ایران، پاکستان و موریتانی که عنوان جمهوری اسلامی را برای نوع نظام سیاسی خود انتخاب کرده اند، تفاوت های مهمی در نظام سیاسی یافت می شود (مظفری، ۱۳۹۱، ص ۸۲). معنای این تفاوت ها این است که مفهوم یکسانی از قانون و کارکرد آن در بین کشورهای اسلامی وجود ندارد و معلوم نیست قانون مدنی واحد اسلامی، با کدام کارکرد و معنا، بناست در بین کشورهای سازمان همکاری اسلامی پذیرفته شود. اهمیت تفاوت ساختار سیاسی به عنوان چالش برای تدوین قانون مدنی واحد، زمانی روشن تر می شود که آنرا

در کنار روابط و مناسبات غیر دوستانه‌ای که بین برخی از کشورهای اسلامی وجود دارد، قرار دهیم. این روابط غیر دوستانه می‌تواند، به عنوان چالشی مکانیکی، موثرتر از تفاوت ساختار حکومتی، به عنوان یک چالش برای تدوین قانون مدنی واحد اسلامی عمل کند.

۱-۲-۳- چالش‌های اقتصادی تدوین قانون مدنی واحد اسلامی

الف. بازار مشترک اقتصادی، بستر تدوین قانون مدنی واحد

اگر از منظر هایک (Hayek)، برنده جایزه نوبل اقتصادی، به قانون و کارکرد آن بنگریم، اهمیت بازار مشترک اقتصادی برای تدوین قانون مدنی واحد نمایان می‌شود. از دیدگاه هایک، قانون، ابزار مهم تضمین ارزش‌های خودجوش نظام بازار آزاد، از جمله ارزش مالکیت خصوصی و ارزش آزادی قراردادی است. از دید او، از آنجا که قانون ابزاری دولتی است، نیاستی به ابزار ایجاد قاعده حقوقی توسط دولت تبدیل شود. در واقع، هایک قائل به تقدم ذاتی حقوق خصوصی یا همان بازار آزاد بر حقوق عمومی است (Cf. Hayek, 1985, pp 158, 160, 162). بنابراین، اگر از منظر هایک بنگریم، بازار مشترک اقتصادی بستر مناسب و حتی ضروری تدوین قانون مدنی واحد خواهد بود. می‌دانیم که سنگ بنای اتحادیه اروپا نیز یک معاهده اقتصادی، یعنی همان معاهده ی اقتصادی اروپا (Treaty Economic European) است.

به نظر می‌رسد "وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی مهم‌ترین چالشی است که فراراه شکل‌گیری بازار مشترک وجود دارد" (آقانظری، ۱۳۸۸، ص ۳۰۲). یکی از شروط اصلی ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی، سطح بالای مبادلات کشورهای عضو با یکدیگر است. "کشورهای اسلامی با وجود اینکه حدود یک سوم تعداد کشورهای جهان را تشکیل می‌دهند، ولی مبادلات چندانی ندارند. به عنوان مثال، فقط حدود ده درصد تجارت خارجی این کشورها با یکدیگر و بقیه آن با کشورهای غیر مسلمان است" (نادران، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱). وانگهی، کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی جز کشورهای در حال توسعه و اکثراً از تولیدکنندگان مواد خام می‌باشند که این موضوع باعث کاهش سرعت حرکت آنها به سمت ایجاد بازار مشترک اسلامی بوده است (عنانی الموتی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱).

ب. پول واحد و تقویت بازار مشترک اقتصادی

در نگاه اول، به نظر نمی‌رسد که پول واحد، چالشی برای تدوین قانون مدنی واحد باشد؛ چرا که عوض قراردادی می‌تواند هر نوع پولی باشد و در قانون مدنی نیز به پول واحد و برای

مثال ریال، برای انعقاد قراردادهای مالی تصریح نشده است. پس، قانون مدنی واحد نیز به ایجاد پول واحد نیاز ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد یکی دیگر از قدم‌هایی که باید در مسیر وحدت و یکنواخت سازی قانون مدنی برداشته شود، داشتن پول واحد است؛ چرا که پول واحد، زمینه و بستر شکل‌گیری بازار مشترک و در نهایت، موجب رسیدن به اتحاد اقتصادی که هدف قانون مدنی واحد است، خواهد شد.

یکی از گام‌های مهمی که اتحادیه اروپا، در جهت متحدالشکل سازی برداشته است، انتخاب یورو به عنوان پول واحد است؛ انتخابی که منجر به متحد شدن سیاست‌های مالی و تقویت و تثبیت بازار مشترک اقتصادی شده است (صالحی، ۱۳۸۹، ص ۶۵).

به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت فعالیت‌های اقتصادی و جهت افزایش مبادلات بین کشورهای اسلامی و در نتیجه ایجاد بازار مشترک، باید پول واحدی بین کشورهای اسلامی انتخاب شود. ایده ایجاد پول واحد اسلامی اولین بار از سوی مالزی در دهمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی مطرح شد و همچنین در نخستین نشست اتحادیه بین‌المللی تجار و بازرگانان جهان اسلام، دبیرکل مجمع جهانی تقریب، آیت‌الله اراکی به لزوم وجود پول واحد در میان کشورهای اسلامی اشاره کردند (سایت خبرگزاری تقریب، کد مطلب: ۱۵۷۹۴۰، تاریخ انتشار، شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۳، ساعت ۱۱:۵۸، تاریخ مراجعه به سایت: ۲۵ مرداد ۱۳۹۳) ولی متأسفانه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، علی‌رغم جمعیت زیاد و منابع وسیعی که دارند، هنوز نتوانسته‌اند ایده پول واحد را عملی کنند و از طرفی به دلیل متفاوت بودن اقتصاد کشورهای اسلامی، اجرای این طرح در تمامی کشورهای اسلامی ممکن نیست و نه تنها مثمر واقع نمی‌شود، بلکه خسارات جبران‌ناپذیری را ممکن است وارد کند.

۱-۲-۲-۴- پراکندگی جغرافیایی، مانع شکل‌گیری بازار مشترک اقتصادی به عنوان بستر تدوین قانون مدنی واحد

به نظر می‌رسد، یکی از مشکلات مسیر عملی کردن طرح تدوین قانون مدنی اسلامی، پراکندگی جغرافیایی است؛ زیرا این پراکندگی، مانع از همکاری‌های اقتصادی منسجم بین کشورهای اسلامی و بدین ترتیب، مانع شکل‌گیری بازار مشترک بین کشورهای اسلامی است (نادران، ۱۳۸۸، ص ۲۶۳؛ آفانظری، ۱۳۸۸، ص ۳۰۲). بایستی توجه داشت که مرزهای جغرافیایی مهم‌ترین عامل یکپارچگی میان کشورها و کاهش هزینه‌های حمل و نقل و دسترسی آسان به



بازار کشورها است (حسن پور، ۱۳۸۹، ص ۵۴).

برخلاف اتحادیه اروپا که تمامی کشورهای عضو در یک قاره و در یک محدوده قرار گرفته‌اند، سازمان همکاری اسلامی، متشکل از ۵۷ کشوری است که در طول چهار قاره پراکنده‌اند؛ آلبانی در اروپا، موزامبیک در آفریقا، گویان در آمریکای لاتین و اندونزی در آسیا (پرتو، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

۲. راه حل های رفع چالش های تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی

در ابتدا به مطالعه راه های رفع چالش های مشترک تدوین قانون مدنی واحد پرداخته و سپس چگونگی رفع چالش های اختصاصی هر یک از دو قانون را تحلیل می کنیم:

۲-۱- راه حل های رفع چالش های مشترک تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی

۲-۱-۱- انتخاب زبان واحد؛ زبان انگلیسی برای قانون مدنی اروپا و زبان قرآن برای قانون مدنی واحد اسلامی

تاریخ اروپا، گواه زبان مشترک در تجارت و علم و به طور خاص حقوق است. منظور قانون مدنی ژوستینین (Corpus Iuris Civilis)، یعنی ریشه حقوق مدرن اروپا است که به زبان لاتین بوده است. بنابراین، ایده انتخاب زبان واحد در علم و تجارت نبایستی جدید تلقی شود. بلکه، بایستی به احیاء آن اندیشید (Schmid, 2012, p276).

همانطور که مطالعه شد، سویو، استاد فرانسوی، راه حل تدوین قانون مدنی اروپا به سه زبان را برای رفع این چالش پیشنهاد می کنند. در واقع، ایشان راه حل اتخاذ زبان واحد را با توجه به ارتباط بین زبان و فرهنگ حقوقی، زیانبار می دانند و اگر این زبان، زبان انگلیسی باشد، قائلند مسیر ورود فرهنگ حقوقی انگلیسی به نظام رومی ژرمنی نوشته باز می شود و این هم زیانبار است. با این حال، به نظر می رسد راه حل سویو، یعنی تدوین به سه زبان، نسبت به اتخاذ زبان واحد، از منظر ارتباط زبان و فرهنگ حقوقی، زیانبار تر باشد. وانگهی، امکان تدوین قانون مدنی به سه زبان، نشان دهنده این است که ارتباط بین زبان و فرهنگ حقوقی، به اندازه کافی

هم قوی نیست (Collins, 2008, p144).

اگر بستر قانون مدنی واحد اروپا بازار مشترک اروپا باشد، که همین گونه هم است، به نظر می‌رسد می‌توان به سمت اتخاذ زبان واحد برای تدوین قانون مدنی واحد اروپا حرکت کرد؛ چرا که تسهیل داد و ستد در بازار اروپایی منوط به همین زبان واحد اروپایی است (Schmid, 2012, p276). از این منظر، زبان انگلیسی می‌تواند مناسب باشد، چرا که زبان بین‌المللی نیز است. وانگهی، زبان به خودی خود و به تنهایی نمی‌تواند مسیر انتقال مفاهیم حقوقی از یک سیستم حقوقی به سیستم حقوقی دیگری باشد و نگرانی سوپو از حاکمیت یک سیستم حقوقی بر سیستم دیگر و از مسیر زبان چندان مستدل نیست (Schmid, 2012, p277). اگر چالش تنوع سیستمی با غلبه یک سیستم و برای مثال سیستم کامن‌لا بر رومی ژرمنی حل شود، در اینصورت، زبان انگلیسی نیز می‌تواند و باید نقش تسهیل این حاکمیت را برعهده گیرد. اما خواهیم دید که چالش تنوع سیستمی با این راه حل رفع نمی‌شود.

در مورد قانون مدنی واحد اسلامی، به نظر می‌رسد، می‌توان به سمت انتخاب زبان واحد حرکت کرد. مسلمانان سراسر جهان، با وجود تفاوت در زبان، اخلاق و آدابشان، در یک امر مشترک‌اند و آن آشنایی به زبان قرآن و سنت است (صانعی، ۱۳۶۲، صص ۱۶۴-۱۶۳). "زبان عربی، زبان میراث اسلامیست" (شوشتری، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸). بنابراین، وسیله‌ای بهتر از زبان عربی، برای وحدت اسلامی وجود ندارد (صانعی، ۱۳۶۲، صص ۱۶۴-۱۶۳). نیاستی گمان کرد که انتخاب زبان عربی به عنوان زبان واحد، غلبه زبان قومی بر قوم دیگر را موجب می‌شود؛ چرا که اعتبار این زبان، اعتباری اعتقادی است (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۱).

۲-۱-۲- مرجع صالح تدوین و تفسیر و اصلاح؛ راه رفع چالش انعطاف ناپذیری قانون مدنی واحد

بی‌تردید، تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی نیاز به تصویب مرجعی صالح، هم در سطح اتحادیه اروپا و هم در سطح سازمان همکاری اسلامی خواهد داشت و اگر مرجعی صلاحیت تدوین قانونی را داشته باشد، می‌توان گفت صلاحیت اصلاح و یا تفسیر آن قانون را نیز خواهد داشت و بدین ترتیب چالش انعطاف ناپذیری قانون نیز رفع خواهد شد.

بر اساس بند ۳ ماده ۳ معاهده ی اروپا، یکی از اهداف مهم اتحادیه اروپا ایجاد بازار مشترک اروپایی است. به موجب بند ۱ ماده ۳ معاهده عملکرد اروپا، اتحادیه اروپا صلاحیت

دارد تا به وضع قواعد لازم با موضوع رقابت برای ایجاد و تقویت بازار مشترک اروپایی پردازد. ماده ۱۱۴ این معاهده نیز، پارلمان و شورای اروپا را صالح می‌داند تا در راستای تقریب آن دسته از قوانین ماهوی و فنی دولت‌های عضو که موضوع و هدفشان به ایجاد و تقویت بازار مشترک اروپایی مرتبط است، اقدام کند و دست به ایجاد قواعد مشترکی بزند. (Barnard, Vezyrtzi, 2009, p14 p.28; Schmid, 2001, pp 7-8)

به نظر می‌رسد، تدوین قانون مدنی واحد اروپا، منطبق با مستندات فوق‌الذکر است و می‌تواند در راستای ایجاد و تقویت بازار مشترک اروپا تلقی شود. واقعیت این است که تفاوت‌های موجود بین قوانین دولت‌های اروپایی، منجر به افزایش هزینه مبادلات شده و نهایتاً عملکرد مناسب بازار مشترک اروپایی را تحت‌الشعاع قرار داده است. تجار کوچک یا متوسط و همچنین مصرف‌کنندگان ممکن است در اثر هزینه‌های بالای مبادلات، ارتباطات فرامرزی خود را کاهش دهند و بدین ترتیب عملکرد مناسب بازار مشترک با مانع روبرو می‌شود. از جمله این هزینه‌ها، هزینه بدست آوردن اطلاعات راجع به سیستم حقوقی قابل اعمال برای معامله، تفاوت‌های موجود میان سیستم‌ها و آگاهی نسبت به نظام حقوقی طرف معامله است (Tilmann, 1999, p124). در هر رابطه اقتصادی فرامرزی، جهت نیل به نتیجه بهتر، نیازمند تعیین قانونی به عنوان قانون حاکم بر رابطه‌ایم که به موجب آن، اختلافات احتمالی حاصله از قرارداد را بتوانیم رتق و فتق کنیم. قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی قانونی است که طرفین تعیین کرده‌اند (الماسی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۶). در صورت نبودن قانونی واحد که حاکم بر کلیه روابط اقتصادی باشد، طرفین ملزم می‌شوند خود به تعیین قانون حاکم اقدام کنند و تعیین آن به راحتی ممکن نیست و چه بسا مجبور به تعیین قانون کشوری ثالث به عنوان قانون حاکم شوند که منجر به افزایش هزینه‌ها می‌شود.

البته این توافق زمانی است که طرفین به لحاظ سطح قدرت برابر باشند؛ برای مثال در رابطه بین کارخانه‌های بزرگ و مصرف‌کنندگان و کسبه خرد، قدرت برتر، توان دیکته کردن شرایط معامله اعم از زبان، قانون حاکم و دادگاه صالح را دارد و در نتیجه مصرف‌کنندگان و کسبه خرد از این معاملات فرامرزی فاصله می‌گیرند و این امر می‌تواند بازار مشترک اروپایی را با چالش همراه سازد (Tilmann, 1999, p124).

با تدوین قانون مدنی واحد اروپا، هزینه مبادلات می‌تواند حداقل در میان مدت یا بلندمدت کاهش یابد. برای مثال، قانون مدنی واحد می‌تواند امکان استفاده از املاکی که در

سایر کشورهای عضو اتحادیه قرار گرفته‌اند را به عنوان رهن در هر کشور ثالثی، تسهیل کند (Schmid, 2010, p.273).

چالش انعطاف ناپذیری در مورد قانون مدنی واحد اسلامی ماهیتی متفاوت دارد؛ واقعیت این است که در رویکرد دینی، تنها خداوند ایجاد کننده‌ی قاعده‌ی حقوقی است و بنابراین تدوین و اصلاح و یا تفسیر منعطف یا منطبق با مقتضیات زمان و مکان از قانون مدنی واحد، از اساس با مشکل مواجه به نظر می‌رسد. بایستی توجه داشت که در رویکرد اسلامی، اجتهاد بیش از آنکه نقش تشریحی داشته باشد، کارکرد استنباطی دارد؛ رویکرد عبد الوهاب شعرانی، از علمای معتزلی مسلک مصری که قائل به اجتهاد تشریحی است، در هر حال، استثناء تلقی می‌شود. تفصیل موضوع خارج از حوصله‌ی این مقاله است؛ با این حال، به نظر می‌رسد می‌توان با تأکید بر مکانیسم یا چارچوب نظری مورد اتفاق در بین مذاهب مختلف اسلامی به راه حلی رسید. برای مثال، شاید، نظریه منطقه الفراغ در فقه شیعه که در فقه اهل سنت تحت عنوان منطقه العفو شناخته می‌شود، بتواند چارچوب نظری مناسبی هم برای تدوین قانون مدنی واحد اسلامی و هم برای اصلاح و تفسیر آن توسط نهاد صالح در سازمان همکاری اسلامی تلقی شود. شایان ذکر است که ورود قانون مدنی واحد اسلامی به حوزه احوال شخصیه، با توجه به تعصبات مذهبی و غلیظ‌تر از آن، تعصبات فرهنگی و عرفی که در مورد احوال شخصیه اروپایی نیز مطرح شد، به مصلحت نزدیک نیست. از این منظر، پذیرش نظریه منطقه الفراغ یا منطقه العفو به عنوان چارچوب نظری آسانتر می‌نماید. در واقع، قانون مدنی واحد اسلامی با تکیه بر بازار مشترک اسلامی به عنوان بستر کارکردی، که سازمان همکاری‌های اسلامی نیز تأکید زیادی بر شکل‌گیری و تقویت آن دارد، به خوبی می‌تواند در چارچوب نظری فوق‌الذکر قرار گیرد.

۲-۱-۳- دادگاه اروپایی حقوق بشر و نهاد داوری؛ دو الگوی مرجع قضاوتی برای اجرای قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی

تردیدی نیست که قانون مدنی واحد اروپا، نهاد قضاوتی خاص خود را می‌طلبد که نه در اتحادیه اروپا و نه در سازمان همکاری‌های اسلامی شاهد آن نیستیم. دادگاه اروپایی حقوق بشر تجربه وزینی است که می‌تواند الگوی تأسیس مرجع قضاوتی برای قانون مدنی واحد اروپا و همینطور اسلامی باشد. علاوه بر آن، می‌توان به نهاد داوری با توجه به توسعه آن و تناسب بهتر آن با ساز و کار بازار مشترک اروپایی و بازار مشترک اسلامی توجه داشت. وجود این دو نهاد قضاوتی و داوری در کنار یکدیگر، مشکل کثرت پرونده‌های حقوقی در سال‌های آغازین

تدوین قانون را نیز تا حدودی حل می‌کند (Schmid, 2012, p285). با این حال، ذکر این نکته هم لازم است که سازمان همکاری‌های اسلامی بر خلاف اتحادیه اروپا نه ساز و کار تقنینی دارد و نه ساز و کار قضاوتی و به همین دلیل مسیر طولانی‌تری را برای تدوین قانون مدنی واحد در مقایسه با اتحادیه اروپا در پیش دارد.

۲-۱-۴- بازار مشترک اروپا و بازار مشترک اسلامی و توجیه عدم جامعیت قانون مدنی واحد اروپا و اسلامی

عدم پرداختن قانون مدنی واحد اروپا و اسلامی به موضوع احوال شخصیه، نبایستی به عنوان چالش ساختاری و عدم جامعیت قانون مدنی واحد تلقی شود؛ چرا که پرداختن به موضوع احوال شخصیه، همانطور که اشاره شد، اصل قانون مدنی واحد را می‌تواند به چالش بکشد. احوال شخصیه، ریشه در فرهنگ و تاریخ مردم دارد. بدین ترتیب، با تکیه بر بازار مشترک به عنوان بستر کارکردی قانون مدنی واحد، بهتر است این قانون محدود به روابط اقتصادی باشد. ملاحظه کردیم که هم معاهده اروپا و هم معاهده عملکرد اروپا، با تبیین محور قانون‌گذاری اروپایی، به نوعی، احوال شخصیه را خارج از سیاست تقنینی اتحادیه قرار داده است؛ این محور همان بازار مشترک اروپایی است (Ardeleanu, 2013, pp53-54). در حقوق اسلامی نیز موضوع یکنواخت سازی احوال شخصیه به ویژه در زمینه ی ارث، بین اهل سنت و شیعیان، به شدت مورد اختلاف است.

۲-۱- راه‌های رفع چالش‌های اختصاصی تدوین قانون مدنی واحد

۲-۲-۱- راه حل‌های رفع چالش‌های اختصاصی تدوین قانون مدنی واحد اروپا

۲-۲-۱-۱- ارزش‌های حقوقی مشترک اروپایی و رفع چالش تنوع فرهنگی

تردیدی نیست که پذیرش قانون مدنی واحد اروپا توسط مردم کشورهای مختلف اروپایی، منوط به این است که این قانون، تنوع فرهنگی در سطح اتحادیه را تا حدی به رسمیت شناخته باشد. با این حال، نبایستی گمان کرد که ایجاد وحدت فرهنگی به سادگی میسر است. همانطور که اشاره شد، قانون مدنی اروپا احوال شخصیه را در بر نمی‌گیرد. وانگهی، بستر ایجاد و اجرایی این قانون بازار مشترک اروپایی است که مورد تأکید معاهدات مختلف اروپایی است. در نهایت اینکه ارزش‌های مشترکی وجود دارد که قانون مدنی اروپا با تکیه بر آنها می‌تواند شکل بگیرد. منظور اصول مهم حقوق بشر است که در رابطه با قانون مدنی دو اصل مهم آن

یعنی اصل آزادی قراردادی و اصل مالکیت خصوصی می‌توانند مورد توجه باشند. می‌دانیم که دو اصل پیش گفته، محورهای اصلی شکل‌گیری بازار مشترک اند. همین اصول می‌توانند راهنمای تفسیر سایر اصول و برای مثال اصل حسن نیت و سایر مفاهیم حقوقی و از جمله تعهد باشند. با این حال، بایستی توجه داشت که حفظ و تقویت این میراث مشترک در حوزه‌ی تعهدات که اصول قراردادهای اروپایی می‌توان سندی برای آن باشد، منوط به تربیت حقوق‌دانانی است که اروپایی و نه ملی‌بیاندیشند (Schmid, 2012, pp 280-281).

۲-۱-۱-۲- میراث مشترک، تعامل ماهوی و شکلی بین نظام‌های مختلف حقوقی و رفع چالش تنوع نظام‌های حقوقی

«اگر چه دو نظام بزرگ حقوقی رومن و ژرمنی و کامن‌لا تفاوت‌های زیادی دارند، اما نمی‌توان از این نکته هم غافل شد که این دو سیستم تاریخ و ریشه‌های مشترکی دارند، که به حقوق رم و حقوق بازرگانی قرون وسطی برمی‌گردد» (Von caemmerer, 1964, p320). علاوه بر این و به ویژه در ساختار مدرنیته حقوقی، مبنایی جز عقلانیت انسان‌گرایانه و ارزش‌هایی که برآمده از این عقلانیت‌اند، نمی‌توان برای این دو سیستم حقوقی یافت؛ بی‌تردید، ارزش آزادی فردی بسیار کمک کرده است که مفهوم مالکیت جان‌لاک، در هر دو سیستم حقوقی کامل‌لا و رومن و ژرمنی پذیرفتنی باشد. نباید بر نوشته بودن نظام کامن‌لا زیاد تأکید داشت و تفاوت آنرا با نظام رومن و ژرمنی، از این منظر برجسته کرد. وانگهی، رویه قضایی و دکترین کامن‌لا، امروزه قانع شده است که قانون، مزایای قابل توجهی دارد که نمی‌توان از آن غافل شد. روشن بودن، انسجام و قابل پیش‌بینی کردن نتیجه رفتار حقوقی از جمله این مزایاست و از این منظر تدوین قانون مدنی واحد اروپا می‌تواند با استقبال روبرو باشد (Guido, 1999, p12). می‌دانیم که انگلستان از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، به سمت تدوین حقوق قراردادهای حرکت کرده است (Hondius, 2010, p10; Von Bar, 1999, p134).

آندرا پینا (Andrea Pinna)، حقوق‌دان فرانسوی، بر خلاف لگران، که با تأکید بر حس ملی‌گرایی و تفاوت نیروهای سازنده حقوق در کشورهای مختلف اروپایی و برای مثال آلمان (نظم خودجوش مکتب تاریخی) و فرانسه (عقلانیت فطری حقوق طبیعی مدرن)، تدوین قانون مدنی واحد را چالش برانگیز می‌داند، اعتقاد دارد که بایستی از گذشته عبور کرد. پینا تأکید می‌کند که تأثیر‌پذیری حقوق کشورهای اتحادیه اروپا از یکدیگر افزایش یافته به گونه‌ای که می‌توان گفت حتی حقوق‌دانان کامن‌لا و رومن و ژرمنی نیز از منابع

یکسانی استفاده می کنند (Pinna, Andrea, 2002, p 343; Cf. Osajda, pp. 15-16)؛ تجربه ای که قبل از اتحادیه اروپا، در حقوق ایالت‌های لویزیانا و کبک اتفاق افتاده و مثال خوبی برای چگونگی هماهنگ سازی حقوق خصوصی در یک سیستمی که فرهنگ‌های حقوقی متفاوت دارد، تلقی می شود (Reimann, 1999, pp 1345-1346). بنا نیست قانون مدنی واحد، جایگزین یک نظام حقوقی شود.

۲-۱-۲- راه حل‌های رفع چالش‌های اختصاصی قانون مدنی واحد اسلامی

۲-۱-۲-۱- منابع اساسی مشترک دوین قانون مدنی واحد اسلامی و رفع چالش تنوع مذهبی

به نظر نمی‌رسد که منظور از تدوین قانون مدنی واحد اسلامی، ادغام مذاهب و یا توحید اعتقادی باشد تا تنوع مذهبی چالشی فراروی آن باشد. حتی در نگاه کلان نیز، وقتی سخن از وحدت مذاهب به میان می‌آید، منظور حصر مذاهب به مذهب واحد نیست (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۳۸۴). چرا که در غیر این صورت برخلاف آزادی اختیار مذهب که مورد تأکید منشور وحدت اسلامی است، خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۸۴).

در رابطه با تدوین قانون مدنی واحد اسلامی، تنوع مذاهب در صورتی می‌تواند مانع و چالش جدی قانون مدنی واحد باشد که این تنوع به منابع اساسی تدوین قانون نیز سرایت کند؛ به موجب اصل ۲ منشور وحدت اسلامی منابع اساسی قانون گذاری اسلام عبارتند از قرآن مجید و سنت شریف نبوی (ص) که همه مذاهب اسلامی، بر حجیت و حقانیت این دو منبع، اتفاق نظر دارند و اعتبار سایر منابع را برگرفته و مستند به این دو می‌دانند. این وحدت منابع می‌تواند سنگ بنای خوبی برای حرکت به سمت تدوین قانون مدنی واحد باشد. این به معنای انکار اختلاف در باورهای کلامی و فقهی که بر اجتهاد نیز تأثیر می‌گذارد (واعظ زاده، ص ۱۵۱؛ حکیم، ص ۳۷۱). نیست. بلکه سنگ بنا و مرکز ثقلی است که می‌تواند نقطه آغاز تدوین قانون مدنی واحد باشد. وانگهی، اختلافات علمی وقتی زیانبار می‌شود که همراه با اختلافات سیاسی و تاریخی باشد و اگر جنبه صرف علمی داشته باشد، همانطور که آیت الله بروجردی بر آن تأکید داشت (واعظ زاده، ص ۴۱). نمی‌تواند جدی تلقی شده مانع از تدوین قانون مدنی واحد باشد. همانطور که خواهیم دید، راه حل رفع بسیاری از این چالش‌های سیاسی و تاریخی، عبور از مفهوم دولت-ملت به مفهوم امت است و به نظر می‌رسد سازمان همکاری اسلامی نقطه آغاز این عبور باشد.

۲-۱-۲- امت سازی (Ummah-building): عبور از مفهوم ملت به امت و رفع چالش‌های سیاسی تدوین قانون مدنی واحد اسلامی

به نظر می‌رسد منشأ چالش‌های سیاسی تدوین قانون مدنی واحد یعنی ساختارهای سیاسی متنوع و الگوی نامناسب سیاسی، تأکید بر مفهوم ملت است و با عبور از این مفهوم به مفهوم امت می‌توان از این چالش‌ها عبور کرد. اصطلاح امت، علی‌رغم شباهت‌هایی که با اصطلاح جامعه دارد، تفاوت‌های محسوسی نیز با آن دارد. جامعه، در اصطلاح، گروه سازمان یافته‌ای از افراد است که در سرزمین مشترکی زندگی و با همکاری با یکدیگر، نیازهای اجتماعی خود را فراهم می‌کنند (مساواتی، ص ۱۴۲؛ مولانا، ص ۱۲۱). امت نه مبتنی بر اشتراکات عینی که مبتنی بر وحدت اعتقادی است. از این منظر، اسلام "منادی نظمی است که این نظم سیاسی و اجتماعی در امتی واحد تجلی می‌یابد و گستره آن محدود به سرزمین جغرافیایی خاصی نیست. "(افضلی، ص ۳۷). جوهره اصلی امت، حاکمیت خدا است و می‌تواند مبنا و اصلی مشترک برای ماهیت حکومت‌های داخلی کشورهای اسلامی و اجرای قوانین اسلامی به دستور قرآن (سوره انعام، آیه ۵۷ و سوره مائده آیه ۴۴) باشد (ادیب، صص ۱۸۴-۱۸۳) و با جایگزینی آن به جای مفهوم دولت-ملت، امکان تدوین قانون مدنی واحد فراهم خواهد آمد. زیرا نقش دولت‌های ملی را در تدوین قانون کاهش می‌دهد. بایستی توجه داشت که تشکیل اتحادیه اروپا نیز بدون عبور از مفهوم دولت-ملت و تأکید بر اروپای واحد امکان پذیر نبوده است. می‌دانیم که بقاء اتحادیه اروپا نیز، امروزه، به نهادهای اروپایی است که دارای نوعی حاکمیت نسبت به دولت‌های ملی هستند.

۲-۱-۳- رفع چالش‌های اقتصادی

علی‌رغم نشست‌های متعددی که در سازمان همکاری اسلامی باهدف تشکیل بازار مشترک اسلامی برگزار شده و گذشت سه دهه از ایجاد سازمان، سهم تجارت بین اعضا پیشرفت شایانی نداشته؛ بدین ترتیب، ماهیت سازمان، بیشتر سیاسی باقی مانده و منجر به تقویت همکاری اقتصادی و گسترش روزافزون سطح روابط تجاری بین کشورهای اسلامی نشده است. به نظر می‌رسد برای تقویت بازار مشترک اقتصادی اسلامی باید به چند نکته توجه داشت. نکته اول اینکه طبق تئوری واینر (Jacob Viner) اقتصاددان کانادایی، آغاز، تقویت و سودآوری اتحاد اقتصادی موکول به آن است که کشورهای عضو، دارای اقتصاد مکمل باشند تا تقویت بنیه تولیدی هریک از آنان به فعالیت‌هایی منجر شود که سایرین از آنها بی‌نصیب‌اند و اگر

کشورهایی با زمینه تولیدی مشابه، اتحادی بوجود آورند، حمایت هر کشور از تولید داخلی اش باقی می ماند و حرکت در مسیر کاهش موانع گمرکی با مشکل روبه رو می شود (Lipsey, 1957, p40; Strielkowski, 2013, p12; آقانظری، ص ۳۰۶). بنابراین، کشورهای اسلامی، مبنای همکاری اقتصادی خود را باید بر اساس اقتصاد مکمل تنظیم کنند.

نکته دوم اینکه برای تحقق اندیشه بازار مشترک اسلامی، مقدماتی چون حذف یا کاهش تعرفه های موجود در روابط تجاری بین کشورهای اسلامی، اتخاذ رویکردهای تعرفه ای مشترک در قبال کشورهای دیگر و اجازه جابجایی آزاد نیروی کار، سرمایه و تولید بین اعضا، نیاز است (عنانی الموتی، ص ۱۶۰).

سوم اینکه، وجود کشورهای با سطح اقتصادی متفاوت در سازمان همکاری اسلامی، امکان ورود همگی اعضا به بازار مشترک در ابتدای امر را غیرممکن می کند و برخی اعضای با سطح درآمد پایین و مقروض، حل مشکلات داخلی خود را بر فراهم کردن مقدمات ورود به بازار مشترک ترجیح می دهند. بنابراین، کشورهای اسلامی در ابتدا باید مشکل اقتصاد داخلی خود را حل نمایند و سپس برای نمایش قدرت سازماندهی برای کل امت اسلامی اقدامات لازم را انجام دهند.

نکته آخر اینکه از آنجا که علت مهم موفقیت اتحادیه های اقتصادی، موقعیت جغرافیایی آنها بوده است، لذا بهتر است کشورهای اسلامی به چند زیرمجموعه به لحاظ جغرافیایی تقسیم شوند؛ یعنی ایجاد چند بلوک اقتصادی جزئی در بین بلوک اصلی سازمان همکاری و برای تحقق این امر می توان به اتحادیه های موجود رو آورد، از جمله اکو، که متشکل از کشورهای شمال خاورمیانه و آسیای میانه است، یا شورای همکاری خلیج فارس و... (نادران، صص ۲۶۴-۲۶۳). می توان در ابتدا، این همگرایی را از سطح کوچکتری آغاز کرد؛ در بین شکل های همگرایی منطقه ای همکاری اقتصادی کشورهای اسلامی، جامع ترین آنها، گروه هشت می باشد. بنابراین، بدلیل کثرت و تنوع موجود، بهتر است هسته اولیه اعضا بازار مشترک را از مناسب ترین شکل همکاری آغاز کرد و با افزودن عربستان سعودی به عنوان اینکه عضویت آن تاثیر همه جانبه دارد (وجود کشوری با قدرت اقتصادی برتر در سطح منطقه، مانند آلمان در اتحادیه اروپا، نقش مهمی در توان رقابت بلوک های اقتصادی دارد (نادران، همان، ص ۲۵۴)، می توان امیدوار بود که هسته اولیه اعضا این بازار بتوانند نقش خود را در راستای شکل گیری بازار مشترک ایفا کنند.

پیشنهاد پول واحد نیز مانند هر پروژه ی دیگر قبل از اجرا، به طور کامل قابل پیش بینی نیست و در مسیر اجراست که معایب آن آشکار می شود. براین اساس، لازم است طرح واحد پول اسلامی را در ابتدا در کشورهایی که اقتصاد نزدیک تری دارند، پیاده کرد. از جمله این کشورها، کشورهای حوزه خلیج فارس اند که نفت جز منابع عمده درآمد آنها است و بدین صورت بعد از اجرا، ظهور مشکلات و رفع آنها، پول واحد را به تمامی کشورهای اسلامی تعمیم دهیم. با این حال، پرسشی که ممکن است مطرح شود، این است که کدام واحد پول، شایستگی عنوان پول واحد اسلامی را دارد؟

پیشنهادی که در این رابطه می توان مطرح کرد، انتخاب دینار به عنوان واحد پول می باشد. این انتخاب نه به دلیل غالب شدن و قدرتمند بودن برخی کشورها، بلکه به دلیل مبنای اسلامی و سابقه کاربردش در اسلام است و براین اساس می تواند موجب متقاعد شدن کشورهای اسلامی در این راستا و در نهایت وحدت آن شود.

۲-۱-۲- عبور از مفهوم دولت ملت به مفهوم امت و رفع چالش پراکندگی جغرافیایی
در صورت دستیابی به مفهوم امت واحد، چالش پراکندگی جغرافیایی نیز حل خواهد شد؛ زیرا امت، همانطور که گفته شد، فراتر از جغرافیا، زبان و... است و با قبول این نظام، در تدوین و اجرای قانون با مشکل مواجه نخواهیم بود.

نتیجه گیری

یکنواخت سازی حقوق خصوصی با تأسیس مؤسسه بین المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی (Unidroit) وجه دیگری یافته و تشکیل اتحادیه اروپا به تقویت این یکنواخت سازی کمک بسیار نموده است. هم مؤسسه و هم اتحادیه اروپا، از آنجا که مورد اقتباس دیگر کشورها قرار می گیرند، در مسیر جهانی شدن ماهوی و شکلی حقوق گام بر می دارند. حقوق کشورهای اسلامی، در مواجهه با این دو نهاد بین المللی و آثار آنها، نمی تواند بی تفاوت باشد. واقعیت این است که حقوق اسلامی از این تحولات تأثیر پذیری نیز داشته است و تشکیل سازمان همکاری اسلامی و اعلامیه حقوق بشر اسلامی نمونه ای از این تأثیر پذیری اند. با این حال، جهانی شدن ماهوی حقوق با توجه به ابتناء ارزش ها و مفاهیم حقوق جهانی بر عقلانیت محض انسان گرایانه، می تواند تهدیدی برای حقوق اسلامی تلقی شود؛ ولی، در عین

حال، جهانی شدن حقوق اگر از منظر عقلانیت صوری نگریسته شود، می‌تواند فرصت نادری برای حقوق اسلامی تلقی شود و تدوین قانون مدنی واحد اسلامی از این منظر بسیار اهمیت می‌یابد و می‌تواند از حیث تقریب مذاهب، به اتحاد و همگرایی اسلامی منجر شود. تحلیل تطبیقی چالش‌های تدوین قانون مدنی واحد اروپا و قانون مدنی واحد اسلامی نشان می‌دهد که یکنواخت سازی حقوق امر دشواری است؛ اما، علی‌رغم این دشواری‌ها، در اتحادیه اروپا به صورت جدی دنبال می‌شود و حتی فراتر از قانون مدنی واحد اروپا برای تدوین قانون اساسی واحد اروپا تلاش می‌شود. می‌توان به سمت تدوین قانون مدنی واحد اسلامی نیز حرکت کرد. بستر مهم آن بازار مشترک اسلامی است و محور اساسی آن عبور از مفهوم دولت-ملت به مفهوم امت در حوزه حقوق اسلامی است. این دو گام مهم در اتحادیه اروپا برداشته شده است و از این جهت اتحادیه اروپا در مسیر تدوین قانون مدنی از سازمان همکاری اسلامی جلوتر است. در تفکر حقوقی اسلامی و برای یکنواخت سازی حقوق خصوصی بایستی این دو گام مهم را برداشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

الف. فارسی

- آقانظری، حسن، ۱۳۸۸، "درآمدی بر شکل گیری بازار مشترک اسلامی، زمینه ها، چالش ها و راهکارها"؛ در: کتاب جهانی شدن و جهان اسلام، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، صص ۳۱۲-۲۹۵
- افضلی، رسول، ۱۳۸۷، "جغرافیای فرهنگی دولت سرزمینی در ایران"؛ پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۶
- الماسی، نجادعلی، ۱۳۷۴، *حقوق بین الملل خصوصی*، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳
- امین، سیدحسن، سیستم های حقوقی کشورهای اسلامی، جلد اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول.
- انور جندی، ۱۳۷۱، *اسلام و جهان معاصر*، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی.
- پرتو، بابک، ۱۳۹۰، گزارش سالانه اقتصادی ۲۰۱۰ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، شیراز، نویدشیراز، چاپ اول.
- پهلوان، فرهنگ شناسی، ۱۳۸۲، *گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن*، نشر پیام امروز، نشر قطره، چاپ دوم.
- تسخیری، محمدعلی، ۱۳۸۳، *درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی*، مجمع جهانی تقریب مذاهب، چاپ اول.
- حسن پور، یوسف، "بررسی موانع و مشکلات کشورهای عضو سکا در ایجاد و ارتقای مراحل یکپارچگی اقتصادی ۱۳۸۹"، *بررسی های بازرگانی*، شماره ۴۲.
- حسینی، علیرضا، ۱۳۸۵، "مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی"، ماه دین، شماره ۱۰۹-۱۰۸-۱۰۷.
- حکیم، محمدتقی، ۱۳۶۲، *مقدمه کتاب قصه التقرب بین المذاهب*؛ در: کتاب وحدت، شرکت سهامی چاپخانه، چاپ اول.
- رنه داوید، ۱۳۷۵، *نظام های بزرگ حقوقی معاصر*، صفایی حسین، آشوری، محمد، عزت الله عراقی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم.

- رولان برتون، ۱۳۸۰، قوم‌شناسی سیاسی، ناصر فکوهی، نشرنی، چاپ چهارم.
- شوشتري، محمدجواد، ۱۳۸۳، کاستی‌ها و بایستی‌های فرهنگی جهان اسلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۷، فلسفه حقوق، جلد اول، شرکت سهامی انتشار.
- صالحی امین، علیرضا، ۱۳۸۹، "پول اسلامی در مقابل یورو و دلار"، بانک و اقتصاد، شماره ۱۰۶.
- صانعی، سیدمهدی، ۱۳۶۲، مبانی و مایه‌های وحدت؛ در: کتاب وحدت، شرکت سهامی چاپخانه، چاپ اول.
- صدر، سیدموسی، ۱۳۵۲/اسلام و فرهنگ قرن بیستم، ترجمه علی حجتی کرمانی، قانون نشر و پژوهش‌های اسلامی، چاپ چهارم.
- عالی پناه، علیرضا، فضلی، عزیزالله، ۱۳۹۱، "چیستی حقوق و چگونگی رابطه آن با فرهنگ"، پژوهش نامه حقوق اسلامی سال سیزدهم، شماره اول.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۹۱، درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- عنانی الموتی، مراد، ۱۳۸۱، ایران و سازمان کنفرانس اسلامی، بررسی عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران بر این سازمان، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- مریجی، شمس‌الله، "بررسی تطبیقی قانون و حاکمیت در ساختار سیاسی اسلام و دموکراسی"، علوم سیاسی، سال دوازدهم، ۸۸، شماره ۴۷.
- مساواتی آذر، مجید، ۱۳۷۲، مبانی جامعه‌شناسی، تبریز، چاپ احرار.
- مصدق، محمد، ۱۳۶۲، "رابطه متقابل حقوق و فرهنگ هر جامعه"، نشریه دادرسی، ۸۷، شماره ۷۷.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، "الغدیر و وحدت اسلامی"؛ در: کتاب وحدت، شرکت سهامی چاپخانه، چاپ اول.
- مظفری، محمدحسین، ۱۳۹۰، "راهبرد کشورهای اسلامی در تعامل با نظام بین‌المللی حقوق بشر معاصر"، دوفصلنامه دین و ارتباطات، سال نوزدهم، شماره دوم.
- منشور وحدت اسلامی، ۱۳۹۰، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، چاپ سوم.

- مولانا، حمید، ۱۳۸۸، "اتحادیه امت اسلامی"، کتاب جهانی شدن و جهان اسلام، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، صص ۱۲۶-۱۱۳.
- نادران، الیاس، "جهانی شدن؛ چه باید کرد؟ امکان سنجی تقویت بنیان های اقتصادی کشورهای اسلامی"؛ در: کتاب جهانی شدن و جهان اسلام، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ صص ۲۶۷-۲۲۹.
- هادی، قربانعلی، "نگرشی تطبیقی به تقریب مذاهب و ناسیونالیسم"، اندیشه تقریب، سال چهارم، بی تا، شماره ۱۵.
- واعظ زاده خراسانی، محمد، "راه های تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان"، مطالعات اسلامی، تابستان ۸۷، شماره ۶۰.
- _____، ۱۳۶۲، *عناصر وحدت اسلامی وموانع آن؛ در: کتاب وحدت، شرکت سهامی چاپخانه، چاپ اول.*
- _____، ۱۳۷۳، "مصاحبه دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی با روزنامه تهران تایمز"؛ در: واعظ زاده خراسانی، محمد، پیام وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
- _____، ۱۳۷۳، "مصاحبه روزنامه کیهان عربی با دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی"؛ در: واعظ زاده خراسانی، پیام وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.

ب. لاتین

- Ardeleanu, Anca-Monica, "Principles of European Family Law", Regarding Divorce – Special View over The Romanian Civil Code, Acta Universitatis Danubius, 2013
- Barnard, atherine, Competence Review: "the internal market "
- Boll, Sebastian, "Unified in Diversity": Europe's Search for a Collective Identity, The Interdisciplinary Journal of International Studies, 2008
- Chamboredon, Anthony, "The Codification model as a methodological attempt for the integration of the European private law", The European Legal Forum, 2006
- Chloros, A.G, "Principle, Reason and Policy in the Development of European Law", International and Comparative Law Quarterly, 1968

- Collins, Hugh, *The European Civil Code*, Cambridge University Press, 2008
- Guido Alpa, "the European civil code": E Pluribus Unum, Tulane European & civil law forum, 1999
- Hayek. Friedrich Von. *Droit, législation et liberté*. Traduit en français par Raoul Audouin. PUF. 2^e édition. 1985. T. I. règles et ordre.
- Hesselink, Martijn, "The Structure of the New European Private Law", *Electronic Journal of Comparative Law*, 2002
- Hesselink, Martijn W, "The Politics of a European Civil Code", *European Law Journal*, 2004
- Hondius, Ewoud, Arthur Hartkamp et al, *Towards a European Civil Code*, Kluwer Law International, 2010
- Legrand, pierre, "The European Civil Code": E Pluribus Unum, Tulane University, Tulane Europe & Civil Law Fourm, No 14, 1997
- Lipsey, Richard G, *The Theory of Customs Unions Trade Diversion and Welfare*, *Economica*, New Series, Vol.24.No.93, 1957
- M.Lopez-rodriguez, Ana, "towards a European civil code without a common European legal culture?the link between law,language and culture", *brook*, 2004
- Osajda, Konrad, "the Experiences, Methods, Objectives and Perspectives of Unification of Private Law in the European Union"
- Pinna, Andrea. "Drafting a Civil Code for Europe. Aims and Methods", In. *Tilburg law Review*, Volume 9, Issu 4, 2002, pp. 337-457
- Rémy Corlay, Pauline, " L'avenir du Code civil européen", *Revue Lamy Droit des affaires*; Octobre 2004
- Reimann, Mathias, "towards a European civil code":why continental jurists should consult their transatlantic colleagues, *Tulane law review*, 1998-1999
- Schmid, David, "Do we need a European civil code?", *annual survey of int'l & comp*, 2012
- Schmid, Christoph, "Legitimacy Conditions for a European Civil Code", *European University Institute*, 2001
- Strielkowski, Wadim, "Economics of Customs Union, Viner's Model of Customs Union", *IES FSV CUNI*, 2013
- Supiot, Alain, "Cinq questions pour la constitution d'une société européenne", *Rec. Dalloz Sirey*, 30 janvier 2003, p. 289-294
- Tilmann, Winfried, Düsseldorf and Walter van Gerven, Leuven and Maastricht, *The Private Law Systems in the EU: Discrimination on Grounds of Nationality and the Need for a European Civil Code*, *European Parliament*, Luxembourg, 1999
- Vezyrtzi, Anastasia, "The way towards the unification of civil law in the European union", *The Columbia journal of European law online*, 2009
- von Bar, Christian, Osnabrück, "Systems of private law in the EU – Discrimination – European Civil Code", *European Parliament*, 1999

- von caemmerer, Ernest, "the problem of the unification of private law in Europe", university of Colorado law review, 1964
- Zimmermann, Reinhard, "Codification The Civilian Experience Reconsidered on the Eve of a Common European Sales Law", de Gruyter, 2012
- 10Th Ordinary Summit of the Organisation of the Islamic Conference: Putrajaya, Malaysia, 17TH Octobr 2003
- In. <http://www.oic-oci.org/oicv2/home/?lan=en>

